

موسیقی، فرهنگ و تجربه

جان بلکینگ

MUSIC
CULTURE
&
EXPERIENCE

John Blacking

کتاب حاضر تحت عنوان موسیقی، فرهنگ و تجربه، مجموعه مقالاتی است از جان بلکینگ، همراه با مقدمه‌ای از بایرون رینالد و پیشگفتاری از برونو نتل. نویسنده یکی از معروف‌ترین اتنوموزیکولوژیست‌های قرن بیستم است که با کتاب *How musical is man* شهرتی بین‌المللی پیدا کرد. او عمیقاً بر این عقیده که آهنگسازی سهم عمده و بنیادینی در گونه‌های انسانی دارد پایبند است. او همچنین تلاش کرده است تا روش‌هایی را که در آن آهنگسازی به بیان شرایط انسانی پرداخته و اینکه چگونه فراتر از طبقات اجتماعی می‌رود و برای بهبود کیفیت زندگی انسانی مورداستفاده قرار می‌گیرد، مستندسازی کند. در کتاب حاضر، هشت مقاله از جان بلکینگ با مقدمه‌ای مسوط از ویراستار گردآوری شده است. نظرات وی که اساس آن بر کارهای میدانی در میان ونداهای جنوب آفریقا است به بیان مهمترین موضوع‌های نظری از جمله فطری بودن قابلیت‌های موسیقی، هویت و موجودیت موسیقایی به عنوان یک نماد یا سیستم شبه‌زبان‌شناسی، روابط پیچیده بین موسیقی و نهادهای اجتماعی و بین تحلیل موسیقایی علمی و برداشت فرهنگی می‌پردازد.

کتاب پس از مقدمه‌ی بایرون رینالد و پیشگفتار برونو نتل به بررسی موضوعات زیر پرداخته است:

بیان تجربه انسانی از طریق موسیقی، مسئله توصیف موسیقایی، موسیقی مربوط به مراسم دختران ونداء، موسیقی و پروسه‌ی تاریخی در سرزمین ونداء، تحول موسیقی، موسیقی و سیاست، موسیقی فرهنگ و تجربه، آثار جان بلکینگ و منابع.

توجه به کتاب لودویک معتقد است که نقش‌های تزیینی به خصوص آن دسته که با الهام از گل و گیاه آفریده شده‌اند، بسیار متنوع هستند. در این نقش‌ها، گل و ساقه گل، جدا از هم، بر روی زمینه‌ی نقش پراکنده شده‌اند. اما گل‌ها که به شکل مسطح نشان داده شده‌اند، اغلب بر زمینه‌ای متشکل از دایره‌ای هم‌مرکز با آن و یا گل پیچک و نقش برگ‌ها می‌آفرینند. این ترکیب‌ها کم و بیش ساده هستند: گل‌هایی که به شکل مسطح نشان داده شده‌اند، اغلب از ۳ یا ۶ نقطه تشکیل شده‌اند و برگ‌ها تنها خطوط ساده‌ای هستند که بر روی سطح کشیده شده‌اند. بر روی مجموعه طلسم‌های کتابخانه ملی می‌توان تصاویر انسانی، حیوانی، گیاهی را مشاهده کرد:

هفت‌نشانه سحرآمیز، ستاره‌ی پنج‌پر، بافته، پرنده‌ای با چنگال‌هایی بلند، طاووس، سوار کار با اسب، عقرب و شیر، شیر و غزال، شخصیت‌های تاریخی، حیوانی چهارپا.

در حالی که کلاوس این اشیاء را در زمره اشیاء هنری قرار داده است، نویسنده معتقد است که آنها را نمی‌توان اشیاء هنری دانست زیرا اگرچه بین آنها و هنر اسلامی شناخته شده، وجه اشتراکی وجود دارد ولی در این طلسم‌ها نگرشی نو به نمادگرایی اشکال نیز مشاهده می‌شود. نخستین وجه افتراق آنها در نقش اسلیمی است، به گونه‌ای که آنها را نمی‌توان الزاماً تزیینی دانست: این اشیاء (طلسم‌ها) رنگ‌آمیزی نشده‌اند و بیشتر به آثار گرافیکی می‌مانند. نقش‌های هندسی در آنها نه‌تنها پیچیده نیستند بلکه ساده و بی‌آلایش می‌باشند.

نویسنده در ادامه با شرح مثال‌هایی که در مجموعه کلاوس ذکر شده‌اند، نتیجه می‌گیرد که طلسم‌ها به دلیل تلاشی که خالق آثار در بیان مفاهیم الهییت به کار بسته است، نوعی شمایل محسوب می‌شوند. ابعاد این آثار نیز به خوبی مؤید این امر است که آنها مابین هنر و سحر و جادو جای دارند. وی با طرح ویژگی‌های گرافیکی این آثار، و مقایسه آن با سایر رشته‌ها، حضور آنها را در هنر اسلامی به جز در خوشنویسی و کتیبه‌نگاری، نامعمول می‌داند. به نظر وی آنها را می‌توان طرح‌های تک‌رنگ و یا خطوط گرافیکی تک‌رنگ دانست. از نظر وی هنگامی که صوفی به رنگ‌پردازی توجه می‌کند، آنها را به عنوان ارزش‌های انتزاعی و نوعی ارتقاء در تجربه درونی خود می‌ستاید. برای وی رنگ موضوعی فکری و انتزاعی است که در آثار ملموس و عینی تبلور نمی‌یابد، آثار ملموسی که به شکل تک‌رنگ نشان داده می‌شوند در حالی که صوفی قادر است حواشی تفسیر و تحلیل‌های بسیار پرمحتوایی درخصوص رنگ‌ها به رشته تحریر درآورد. وی در پایان نتیجه می‌گیرد که رنگ‌مایه‌ی اساسی و اصلی در زمینه‌های مشترک هنر رسمی و هنر مقدس، به نوعی سرانجام و نتیجه پایانی دیدگاه و نظریه صوفی‌گری درخصوص رنگ‌هاست.